info@payamdaily.ir

تخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۸۴۴
چهارشنبه / ۲ مهر / ۱۴۰۴
۱ / ربیع الثانی / ۱۴۴۷
24 / September / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود صدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۲۲۵۳۲۸۳۸-۲۲۵۳۴۴۴۳-۲۶ فکس: ۲۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

فال ۹۴۳

امروز با حافظ

گر بـه نُزهَتـگهِ ارواح بَـرَد بوی تـو باد
عقل و جان گوهرِ هستی به نثار افشانند

زاهد ار رندیِ حافظ نکند فهم چه شد؟
دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند

فرهنگ

به چشم معرفت در راه بین،
آنگاه سالک شو
که خواب آلوده نتوان یافت عمر
جاودانی را

پروین اعتصامی

فال گرد

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۳۲	۰۵:۵۶	۱۱:۵۷	۱۷:۵۸	۱۸:۱۶

برگ

انسـان‌ها بیش از هرچیز دیگر، از اندیشیدن وحشت دارند، بیش از فقر، حتی بیش از مرگ. «اندیشه» انقلاب می‌کند...

برتراند راسل

گزارش روز

ازرَست دیپلماتیک تا واقعیت میدانی

به رسمیت‌شناسی فلسطین توسط برخی دولت‌های غربی، اگرچه در ظاهر یک تحول تاریخی است، اما تناقض‌های آشکار آنها ـ از ادامه حمایت نظامی از اسرائیل تا شرط حذف مقاومت ـ نشان می‌دهد این تصمیم بیشتر ابزاری سیاسی است تا تلاشی واقعی برای تحقق عدالت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از نورنیوز، اعلام به رسمیت‌شناسی فلسطین از سوی کشورهایی چون بریتانیا، کانادا، استرالیا و پرتغال و حتی وعده‌های مکرر از سوی پاریس، در نگاه نخست گامی مثبت تلقی می‌شود. این اقدام می‌تواند در سطح افکار عمومی جهان به انزوای بیشتر رژیم صهیونیستی منجر شود و فشار سیاسی مضاعفی علیه تل‌آویو ایجاد کند. با این حال، بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که این تصمیم‌ها بیش از آنکه نشانه تغییر واقعی سیاست‌های غرب باشد، بیشتر کارکردی نمادین دارند. چرا که همان دولت‌هایی که فلسطین را به رسمیت می‌شناسند، همچنان حامی اصلی ماشین جنگی اسرائیل بوده و از سیاست‌های اشغالگرانه تل‌آویو چشم‌پوشی می‌کنند.

واقعیت این است که کشورهای غربی بیشتر از آنکه به عدالت و حقوق ملت فلسطین توجه کنند، در پی مدیریت فشار اجتماعی در داخل خود هستند. اعتراضات گسترده خیابانی در پایتخت‌های اروپایی علیه جنگ غزه و کشتار غیرنظامیان، دولت‌ها را وادار کرده تا با اقدامی نمایشی خشم افکار عمومی را مهار کنند. از این منظر، به رسمیت‌شناسی فلسطین بیشتر یک ابزار تاکتیکی در سیاست داخلی غرب است تا پاسخی واقعی به خواسته‌های ملت فلسطین.

تناقض آشکار: از فروش سلاح تا خلع سلاح

یکی از نکات کلیدی در این روند، تناقض آشکار در مواضع غربی‌هاست. لندن و پاریس همزمان که از تشکیل کشور فلسطین سخن می‌گویند، بر لزوم خلع سلاح مقاومت تأکید دارند. بریتانیا با لحنی تند حماس را "سازمانی تروریستی" می‌خواند و نخست‌وزیر این کشور اعلام می‌کند که آینده‌ای برای این گروه متصور نیست. فرانسه نیز شرط به‌رسمیت‌شناسی عملی فلسطین را حذف حماس از ساختار سیاسی می‌داند.

این موضع در حالی مطرح می‌شود که همین کشورها از اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان تسلیحات اسرائیل هستند. تناقض میان حمایت تسلیحاتی از اشغالگران و تأکید بر خلع سلاح قربانیان، به خوبی نشان می‌دهد که غرب نه تنها بی‌طرف نیست، بلکه عملاً در کنار رژیم صهیونیستی ایستاده است. چنین سیاستی نه به صلح می‌انجامد و نه به ایجاد کشوری مستقل برای فلسطینی‌ها، بلکه تنها به ادامه چرخه خشونت و تشدید رنج انسانی در غزه و کرانه باختری منجر می‌شود.

اهداف پنهان در پشت پرده

شواهد نشان می‌دهد به‌رسمیت‌شناسی فلسطین برای غرب بیشتر ابزاری سیاسی است تا اقدامی اصولی. شروطی نظیر آزادی گروگان‌ها، استقرار نیروهای بین‌المللی در غزه یا تعلیق روابط رسمی تا زمان تحقق خواسته‌های اسرائیل، همه بیانگر این است که غربی‌ها قصد دارند از این موضوع به عنوان اهرم فشار علیه مقاومت استفاده کنند.

در واقع، شکست نظامی اسرائیل در غزه و ناتوانی ارتش این رژیم در دستیابی به اهداف اعلام‌شده، موجب شده تا غربی‌ها به دنبال جبران این ناکامی از مسیر سیاسی باشند. آنها تلاش می‌کنند با مهندسی دیپلماتیک، مقاومت فلسطین را به حاشیه برانند و جایگاه اسرائیل را در معادلات منطقه‌ای بازسازی کنند. چنین رویکردی عملاً به معنای انتقال میدان جنگ از عرصه نظامی به عرصه سیاسی است، بی‌آنکه تغییری در منطق سلطه‌جویانه و تبعیض‌آمیز غرب ایجاد شده باشد.

از زَست دیپلماتیک تا واقعیت میدانی

نقطه‌ای که در این میان نباید نادیده گرفته شود، نقش مقاومت در تغییر صحنه است. اگر امروز برخی دولت‌های غربی ناچار به پذیرش فلسطین شده‌اند، این امر نتیجه ایستادگی مردم غزه و هزینه‌های سنگینی است که رژیم صهیونیستی از مقاومت متحمل شده است. بدون مقاومت، چنین تغییراتی در سطح دیپلماتیک حتی مطرح هم نمی‌شد.

تجربه گذشته نیز نشان داده است که اتکا به سازشکاری و توافق‌های یک‌جانبه، تنها به جسارت بیشتر اسرائیل در ادامه شهرکسازی و اشغال سرزمین‌های فلسطینی منجر می‌شود. آنچه می‌تواند به‌رسمیت‌شناسی را از سطحی نمادین به مرحله‌ای واقعی ارتقا دهد، ترکیب دو عامل است: نخست، پایداری و توان بازدارندگی مقاومت؛ دوم، بهره‌گیری هوشمندانه از سازوکارهای حقوقی و بین‌المللی مستقل برای واداشتن غرب به اقدامات عملی. تنها در این چارچوب است که می‌توان امیدوار بود به‌رسمیت‌شناسی فلسطین به یک واقعیت پایدار بدل شود، نه یک زَست سیاسی گذرا.

مکث

فصل مدرسه و معادله چندوجهی مادران شاغل

با آغاز سال تحصیلی جدید، بسیاری از مادران شاغل در ایران با چالشی چندوجهی مواجه می‌شوند؛ چگونه می‌توانند همزمان نقش مادری، همسری و حرفه‌ای خود را به‌درستی ایفا کنند؟ بازگشایی مدارس نه‌تنها به معنای بازگشت فرزندان به کلاس‌های درس است، بلکه برای مادران شاغل به معنای آغاز دوره‌ای از فشارهای روانی، برنامه‌ریزی‌های پیچیده و تعارض‌های نقش‌آفرینی است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جوان، آمدن پاییز و آغازماه مهر با تمام زیبایی‌های رنگین‌ترین فصل سال با چالش‌های جدی برای مادران شاغل همراه است. با آغاز سال تحصیلی جدید، بسیاری از مادران شاغل در ایران با چالشی چندوجهی مواجه می‌شوند؛ چگونه می‌توانند همزمان نقش مادری، همسری و حرفه‌ای خود را به‌درستی ایفا کنند؟ بازگشایی مدارس نه‌تنها به معنای بازگشت فرزندان به کلاس‌های درس است، بلکه برای مادران شاغل به معنای آغاز دوره‌ای از فشارهای روانی، برنامه‌ریزی‌های پیچیده و تعارض‌های نقش‌آفرینی است.

اشتغال خارج از منزل اغلب به رضایت درونی، احساس مفید بودن و همچنین اعتماد به نفس بیشتر در زنان منجر می‌شود. زنان شاغل به واسطه کار کردن با مشکلات جامعه بیشتر آشنامی‌شوند و بیش از پیش می‌توانند همسر خود را درک کنند. همچنین اعضای خانواده‌ای که مادر در بیرون از منزل شاغل است، بیشتر از دیگر خانواده‌ها در کارها به یکدیگر یاری می‌رسانند و همکاری بین آنها افزایش می‌یابد. با تمام اینها به‌طور معمول، بخش زیادی از کارهای خانه بر عهده زنان است. وقتی خانمی به کار خارج از منزل نیز مشغول می‌شود، وظایف او مضاعف خواهد شد و ممکن است نتواند بموقع به امور خانه رسیدگی کند. این زنان از یک طرف نگران مسئولیت‌های داخل منزل و انجام وظایف همسری و مادری و از سوی دیگر به دنبال انجام مطلوب تکالیف سازمانی و ایفای نقش‌های اجتماعی در خارج از منزل هستند، اما با شروع سال تحصیلی جدید، میلیون‌ها مادر شاغل با چالشی چندوجهی روبه‌رو می‌شوند؛ چالشی که نه‌تنها به برنامه‌ریزی روزانه محدود می‌شود، بلکه به عمق ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور گره خورده است. بازگشایی مدارس برای بسیاری از خانواده‌ها به معنای بازگشت به نظم و انضباط آموزشی است، اما برای مادران شاغل، این فصل اغلب با اضطراب، فشار روانی و تعارض نقش‌ها همراه است.

«مادران شاغل» ستون‌های پنهان خانواده و اقتصاد

در دهه‌های اخیر، حضور زنان در بازار کار ایران رشد چشمگیری داشته است. طبق آمار مرکز آمار ایران، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال ۱۴۰۱ حدود ۱۴ درصد بوده است که بخش قابل توجهی از آن را مادران تشکیل می‌دهند. این زنان نه‌تنها در تأمین مالی خانواده نقش دارند، بلکه مسئولیت‌های تربیتی، مراقبتی و عاطفی فرزندان را نیز بر عهده دارند. به همین خاطر هم مادران شاغل در ایران با نوعی دوگانگی نقش موجهند؛ از یک سو باید در محیط کار حرفه‌ای و کارآمد باشند و از سوی دیگر در خانه نقش مراقب، مربی و مدیر خانواده را ایفا کنند. این تعارض، اگر مدیریت نشود، به فرسودگی روانی و کاهش کیفیت زندگی منجر می‌شود.

بر این اساس در شرایطی که تقسیم نقش‌های جنسیتی در خانواده به گونه‌ای است که مسئولیت امور خانه و فرزندان را بر عهده زنان می‌گذارد، بتوان در تطبیق نقش‌های درون خانه و کارهای دیگر با چالش‌های فراوانی روبه‌رو خواهند شد. این مشکلات ممکن است سبب ترک شغل شود و مانع ورود زنان به عرصه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی گردد یا به کاهش انگیزه فرزندآوری در آنان بینجامد.

آغاز فصل فشارهای چندلایه

با شروع سال تحصیلی، مسئولیت‌های مادران شاغل بطور چشمگیری افزایش می‌یابد. از یک سو برنامه‌ریزی روزانه و مدیریت زمان می‌تواند مسئولیت‌های خانوادگی و فشارهای روانی مادران شاغل را به مراتب افزایش دهد و از سوی دیگر این مادران اغلب با فشارهای شغلی و عدم‌انعطاف‌پذیری محیط کار مواجهند.

تنظیم ساعت خواب و بیداری بچه مدرسه‌ای‌ها، آماده‌سازی صبحانه، ناهار و میان‌وعده‌های مدرسه، هماهنگی با سرویس مدرسه یا رفت‌وآمد شخصی، پیگیری تکالیف، آزمون‌ها و فعالیت‌های فوق‌برنامه از جمله موضوعاتی است که همه مادران در فصل درس و مدرسه با آن مواجهند، اما مادران شاغل باید همه این موارد را در کنار کار و مسئولیت‌های خارج از خانه هماهنگ کنند. این مادران ناگزیرند به واسطه اشتغال و فعالیت‌های اجتماعی‌شان، دست‌کم حدود ۱۰ ساعت خارج از خانه و خانواده به سر ببرند. پس بدیهی است که ساعات حضورشان در خانه با فشار کاری بیشتری برای انجام این هماهنگی‌ها همراه است. همچنان که اگر پای دردل این مادران بنشینید این موضوع میان‌شان مشترک است که بعد از یک روز کاری و هشت ساعت کار و سروکله زدن با ارباب رجوع و حداقل یک ساعت رانندگی و ماندن در ترافیک یا استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی و تحمل شلوغی‌های مترو، اتوبوس و دویدن دنبال تاکسی، تازه وقتی به خانه می‌آیند باید با بچه‌ها سروکله بزنند و به تکالیف آنها رسیدگی کنند و برنامه‌های روز بعدی آنها را برای تغذیه و انجام تکالیف و رساندن به سرویس مدرسه و بسیاری از کارهای مرتبط انجام دهند.

فشارهای شغلی و عدم‌انعطاف‌پذیری محیط کار

قوانین کاری اغلب برای همه افراد یکی است و زن و مرد و مادر و غیر مادر ندارد. قوانینی همچون دورکاری مادران شاغل هم اگر اجرایی شود برای مادران با شرایط خاص و فرزندان زیر شش سال است و برای مادران دارای فرزند مدرسه‌ای کمک خاصی در نظر گرفته نشده است. تازه این قانون ضمانت اجرایی هم ندارد و کمتر شرکت و سازمانی است که این قانون را اجرایی کند، و به همین خاطر هم مادران شاغلی که بچه مدرسه‌ای دارند با چالش‌های متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند که می‌تواند فشارهای روانی متعددی را به آنها تحمیل کند. نبود مرخصی‌های مناسب برای شرکت در جلسات مدرسه، عدم‌امکان دورکاری یا کاهش ساعات کاری و فشار مدارس و نگاه منفی برخی مدیران به مادران شاغل به‌عنوان نیروی «کم‌کار» از جمله مواردی است که مادران شاغل در فصل درس و مدرسه با آن مواجه می‌شوند.

بر این اساس گاهی به نظر می‌رسد ساختارهای اداری در ایران هنوز با مفهوم مادری سازگار نیستند. بسیاری از مادران شاغل مجبورند بین شغل و فرزند یکی را انتخاب کنند که این انتخاب اغلب با احساس گناه همراه است. مادرانی که شغل‌شان را انتخاب می‌کنند همواره با این عذاب وجدان مواجهند که نتوانسته‌اند به خوبی مادری کنند و مادرانی هم که برای مراقبت از فرزندان‌شان مجبور می‌شوند شغل‌شان را رها کنند، خیلی وقت‌ها با حسرت ترک شغل و فعالیت اجتماعی مواجهند و به واسطه برخی باورهای نادرست اجتماعی جا افتاده در جامعه حتی گاهی وقت‌ها احساس بطالت و بیهودگی می‌کنند!

چالش‌های اقتصادی

چالش‌های اقتصادی، اما یک ضلع قابل تأمل اشتغال زنان است که نمی‌توان در بررسی این پدیده اجتماعی آن را نادیده گرفت. خیلی وقت‌ها زنان برای جور کردن کفه دخل و خرج خانه و خانواده ناگزیرند شاغل باشند. این مسئله به خصوص برای خانواده‌های دارای فرزند جدی‌تر می‌شود چراکه تورم بالا هزینه‌های زیادی را برای نگهداری از بچه‌ها به خانواده تحمیل می‌کند. در این میان هزینه‌های تحصیل اعم از شهریه مدارس و هزینه‌هایی همچون لوازم‌التحریر، لباس فرم، کتاب‌های کمک‌درسی، کلاس‌های تقویتی و سرویس می‌تواند به طور جدی چالش‌برانگیز باشد و ضرورت اشتغال زن و مرد را برای برآمدن از پس هزینه‌های زندگی و خانواده ضروری‌تر کند.

تعارض‌های روانی و عاطفی

مادران شاغل خیلی‌وقت‌ها با تعارض‌های روانی و عاطفی متعددی مواجه می‌شوند. احساس ناکامی در ایفای نقش مادری، اضطراب ناشی از عدم‌حضور در لحظات مهم فرزند و کاهش کیفیت ارتباط با فرزندان و همسر مصادیقی از این تعارض‌هاست که می‌تواند فشار مضاعفی را به این زنان تحمیل کند.

بر این اساس تعارض بین نقش‌های خانوادگی و شغلی، پیامدهایی جدی برای سلامت روان مادران دارد و آنها را دچار فرسودگی شغلی و خانوادگی می‌کند و گاهی حتی با کاهش رضایت از زندگی همراه است. در کنار اینها افزایش احتمال افسردگی و اضطراب و همینطور تأثیر منفی بر روابط همسری و تربیت فرزندان از جمله موضوعات دیگری است که می‌تواند مادران شاغل را با فشارهای روانی و عاطفی جدی مواجه کند.

در پژوهشی کیفی که در سال ۱۴۰۲ از سوی دانشگاه علامه طباطبایی انجام شد، بیش از ۷۰ درصد مادران شاغل از «احساس ناتوانی در مدیریت نقش‌ها» و «فشار روانی مزمن» سخن گفتند. با تمام اینها، اما زنان به عنوان عضو مهمی از بدنه جامعه می‌توانند در حوزه‌های اقتصادی نقش‌آفرینی جدی داشته باشند و شاید با تدابیری کم‌هزینه و آسان بتوان آنان را در مدیریت نقش‌های اجتماعی و خانوادگی و مادری کردن همراهی کرد تا هم اقتصاد کشور از ظرفیت این بخش از جامعه بتواند بهره‌برداری کند و هم مادران شاغل چالش‌ها و فشارهای روانی کمتری را تجربه کنند.

نقش مدارس و نهادهای حمایتی

مدارس می‌توانند نقش مهمی در کاهش فشار بر مادران ایفا کنند. ارائه خدمات مراقبتی بعد از ساعات مدرسه، برگزاری جلسات آنلاین اولیا و مربیان، همکاری با مراکز مشاوره برای حمایت روانی از خانواده‌ها و اطلاع‌رسانی شفاف و منظم درباره وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان از جمله مواردی است که مدارس می‌توانند اجرایی و به تعادل نقش‌های مادران شاغل کمک کنند.

از سوی دیگر با اصلاح ساختارهای اداری و قانونی ماندن اجرای دقیق قوانین حمایتی مانند مرخصی زایمان، ساعات کاری منعطف و امکان دورکاری، ایجاد مهدکودک‌های سازمانی در محل کار و اعطای مرخصی ویژه برای شرکت در جلسات مدرسه مادران شاغل را برای مدیریت خانواده و مدرسه یاری کرد. از سوی دیگر مدارس و ادارات می‌توانند با تهیه جزوات یا برگزاری کارگاه‌های آموزشی آنلاین در آموزش مهارت‌های مدیریت زمان و تعادل نقش‌ها به مادران شاغل کمک کنند. برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای مادران شاغل در زمینه برنامه‌ریزی روزانه، مدیریت استرس و ارتباط مؤثر با فرزندان می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

تقویت نقش پدران در خانواده

هر چند به طور سنتی مردان نقش کمتری را در اداره امور خانه و رسیدگی به وضعیت تحصیلی فرزندان ایفا می‌کنند، اما همراهی آنها با همسران‌شان می‌تواند هم در زمینه فرزندپروری و شکل‌گیری ارتباطات بهتر بین پدر و فرزندان منتهی شود و هم از فشارهای روانی مادران بکاهد.

تقسیم عادلانه وظایف خانوادگی بین زن و مرد، نه‌تنها به کاهش فشار بر مادران کمک می‌کند، بلکه الگوی سالمی برای فرزندان فراهم می‌سازد. تشویق مردان به مشارکت بیشتر در امور تربیتی و خانه‌داری و تغییر نگرش فرهنگی نسبت به تقسیم وظایف خانوادگی بسیار راهگشاست.

بازگشایی مدارس برای مادران شاغل، آغاز دوره‌ای از چالش‌های پیچیده‌تر است که نیازمند توجه جدی سیاستگذاران، مدیران سازمانی و نهادهای آموزشی است. بدون اصلاح ساختارهای حمایتی و فرهنگی، این تعارض‌ها نه‌تنها بر سلامت روان مادران، بلکه بر کیفیت تربیت فرزندان و پویایی خانواده‌ها تأثیر منفی خواهد گذاشت.

مادران شاغل، ستون‌های پنهان جامعه هستند، اگر قرار است آینده‌ای روشن برای فرزندان‌مان بسازیم، باید امروز از مادران حمایت کنیم.

فتح الله جوادی

برش

شهاب‌سنگی که «آخرالزمان دایناسورها» را رقم زد اکنون کجاست؟

حدود ۶۶ میلیون سال پیش، روزگار دایناسورها یا پرخورد شهاب‌سنگی غول‌آسا به زمین، به پایان رسید. این شهاب‌سنگ که حدود ۱۲ کیلومتر قطر داشت، با سرعتی نزدیک به ۴۳ هزار کیلومتر بر ساعت وارد جو شد و مستقیماً به زمین اصابت کرد. دانشمندان بر این پرخورد آن‌قدر عظیم بود که پنجمین انقراض بزرگ تاریخ را رقم زد؛ رویدادی که حدود ۷۵ درصد گونه‌های زنده روی زمین ـ از جمله تمام دایناسورها به جز پرندگان ـ را نابود کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرادید، اما سرنوشت این جرم آسمانی عظیم که هم‌اندازه کوه اورست بود چه شد؟ به گفته شان گولیک، پژوهشگر دانشگاه تگزاس: «وقتی شهاب‌سنگ با انرژی‌ای برابر با هشت میلیارد دیناریک بمب اتمی دوران جنگ جهانی دوم به زمین اصابت کرد، عملاً یخار شد.» او توضیح می‌دهد که این جرم آسمانی به «ذرّاتی بسیار ریز و گرد و غبار تبدیل شد که وارد لایه‌های بالایی جو شدند و سپس در سراسر زمین پراکنده شدند».

این گرد و غبار طی سال‌ها روی سطح سیاره نشست و لایه‌ای نازک ایجاد کرد که امروز با نام «لهنجتری اپریدیوم» شناخته می‌شود. این لایه حاوی اپریدیومی است که ۸۰ برابر بیشتر از میانگین پوسته زمین غلظت دارد. از آنجا که اپریدیوم در زمین کمیاب ولی در شهاب‌سنگ‌ها فراوان است، این لایه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شواهد برای پیوند پرخورد ۶۶ میلیون سال پیش با انقراض دایناسورها شناخته می‌شود.

قطعات باقی‌مانده

شاید تنها بخش شناخته‌شده از خود شهاب‌سنگ، تکه‌ای بسیار کوچک به اندازه یک دانه کنجد باشد که فرانک کایت، زمین‌شیمی‌دان دانشگاه کالیفرنیا لس‌آنجلس، در سال ۱۹۹۸ در نمونه‌های حفاری‌شده نزدیک هایتی کشف کرد. گزارش‌هایی درباره کشف خردسنگ‌های بیشتری در سال ۲۰۲۲ منتشر شد اما این ادعاها هنوز توسط جامعه علمی تأیید نشده‌اند. گولیک می‌گوید: «برای یافتن قطعه‌ای بزرگ‌تر باید خیلی خوش‌شانس باشیم. اما اگر چنین اتفاقی بیفتد، دانشمندان می‌توانند درباره فرآیند شوکی که شهاب‌سنگ تجربه کرده و فشارها و دماهایی که بر آن وارد شده، اطلاعات دقیق‌تری به دست آورند.»

دهانه چیکشلوب

یکی دیگر از نشانه‌های باقی‌مانده، دهانه عظیم برخورد است. این دهانه، به نام چیکشلوب، در شبه‌جزیره یوکاتان مکزیک قرار دارد و حدود ۱۸۰ کیلومتر پهنا و ۲۰ کیلومتر عمق دارد. اگرچه طی میلیون‌ها سال بخش زیادی از آن با رسوب و سنگ پوشیده شده و بخشی نیز در زیر خلیج مکزیک پنهان مانده است، اما هنوز در سطح زمین آثاری چون ردیفی از فروچاله‌ها در لبه دهانه قابل مشاهده است که در سنگ آهک ضعیف شکل گرفته‌اند.

پیامدهای سهمگین

پرخورد شهاب‌سنگ تنها به ایجاد دهانه ختم نشد. موجی عظیم همچون سونامی که تقریباً یک کیلومتر از ارتفاع داشت، یا سرعتی نزدیک به ۱۴۰ کیلومتر بر ساعت در سراسر اقیانوس‌ها حرکت کرد. این امواج غول‌آسا بر بستر دریا اثراتی به جا گذاشتند که به «مگاموج» مشهورند؛ ساختارهایی به بلندی ساختمان‌های پنج‌طبقه که هنوز در اعماق زیر لوئیزیانا دیده می‌شوند. بررسی‌های لرزه‌نگاری نشان داده‌اند که منبع این امواج دقیقاً از سمت دهانه چیکشلوب آمده است.

علاوه بر سونامی، باران‌های اسیدی، آتش‌سوزی‌های جهانی و لبری عظیم از گرد و غبار نیز از پیامدهای برخورد بودند. این ابر غلیظ جلوی رسیدن نور خورشید را گرفت، زمین را به شدت خنک کرد، فرایند فتوسنتز را مختل نمود و زنجیره غذایی را فروپاشاند. برخی دانشمندان از این وضعیت با عنوان «زمستان هسته‌ای» یاد می‌کنند، هرچند درباره مدت دقیق آن اختلاف نظر وجود دارد.

قدرت بی‌سابقه

آلن هیلدبرند، دانشمند سیاره‌ای و استادیار دانشگاه کالگری که در سال ۱۹۹۱ مقاله‌ای درباره کشف دهانه چیکشلوب منتشر کرد، قدرت این رویداد را چنین توصیف می‌کند: «نیروی آزادشده مانند جنگی هسته‌ای بود، اما نه یکبار، بلکه ده هزار بار پشت سر هم.» او تأکید می‌کند که این پرخورد به‌سادگی توضیح می‌دهد چرا بیشتر حیات زمین نابود شد.

هیلدبرند که در آلبرتا کانادا به گفت‌وگو پرداخته بود، افزود: «در همین منطقه لایه‌ای به ضخامت حدود یک تا دو سانتی‌متر وجود دارد که از برخورد چیکشلوب باقی مانده و این مواد از شبه‌جزیره یوکاتان تا اینجا پرتاب شده‌اند.»

به این ترتیب، شهاب‌سنگی که سرنوشت دایناسورها را تغییر داد، امروز دیگر به شکل یک سنگ عظیم وجود ندارد؛ بلکه نشانه‌هایش در قالب گرد و غبارهای کیهانی، لایه‌های نازک از ایریدیوم، دهانه‌ای غول‌آسا در مکزیک و ردپای ویرانی‌های جهانی در تاریخ زمین باقی مانده است.

دیدگاه

ناگفته‌هایی درباره اسنپ‌بک

اگر به فرض اسنپ یک فعال شود و تحریم‌های سازمان ملل برگردند چه آثار و تبعاتی به دنبال خواهد داشت و چگونه باید با آن مقابله کرد؟ آنچه مسلم است هرگز نباید آثار آن را بر درآمد کشور و اقتصاد و فضای کسب و کار بیش از حد بزرگ کرد و هراس آفرید.

به گزارش پیام آشنا به نقل از اطلاعات، این روزها یکی از مهمترین بحث‌ها در حوزه سیاست خارجی و حتی در میان فعالان اقتصادی و فضای کسب و کار، بحث مذاکرات مربوط به برنامه غنی‌سازی ایران و ماجرای اسنپ‌بک یا بازگشت تحریم‌های سازمان ملل است.

علیرغم تلاش‌های دیپلماتیک وزارت امور خارجه و حتی مذاکرات وزیر خارجه در مصر با رئیس سازمان انرژی اتمی و توافق حاصل شده، شاهدیم که تعلیق بازگشت تحریم‌ها در شورای امنیت تحت کنترل آمریکا رأی نمی‌آورد و سه کشور اروپایی برجامی، مکانیسم ماشه را فعال کردهاند. هنوز اما دستگاه دیپلماسی امیدوار است از فرصت یک هفته‌ای موجود تا رسیدن به ۵ مهر بتواند بهره‌برداری کرده و جلوی فعال شدن این ماشه را بگیرد. که امیدواریم چنین شود و بتواند.

در این میان اما هنوز در برخی رسانه‌های داخلی بحث خیانت این یا آن، داغ است. گویی در یکسو انقلابیون مجاهدی قرار دارند که در منافع ملی و انقلاب را داشته و حرف از خروج از ان.پی.تی، مقابله با غرب، جهاد و دفاع از حیثیت کشور را در سر داشته و در سوی دیگر عده‌ای خائن، طرفدار غرب و سازشگار در تلاشند تا تمام غرور ملی و منافع کشور را به تاراج دهند.

صحنه، صحنه غریبی است. این میزان از تضاد و تعارض بین دیپلماسی و میدان گرچه در گذشته هم نمونه‌هایی داشت اما در حال حاضر گویا عریانتر شده است. بی‌آنکه دیپلیوم مردان دیپلماسی و آنها که خواهان نوعی توافق ممکن برای جلوگیری از تنازع بیشتر هستند هم در منافع ملی دارند و یا توجه به مجموعه اقتضائات و امکانات کشور و نیز ضرورت اداره مملکت و کاهش فشار به اقشار مختلف جامعه، در سنگر دیگری در حال خدمتند. مرتب طعنه زدن و متهم کردن آنها به خیانت ظلم مضاعف به آنهاست.

اما مهمتر از اینها و فارغ از این منازعه بی‌مورد که جز تضعیف دیپلماسی یا شوراى امنیت ملی نتیجه دیگری به همراه ندارد، درک دقیق ضرورت اتخاذ بهترین و مقدورترین تصمیم برای ملک و ملّت است. به راحتی می‌توان شعارهای قشنگ و زیبا و به اصطلاح انقلابی سر داد و این و آن را به سازشکاری و وادادگی و تسلیم و حتی خیانت متهم کرد امّا آیا با این رفتار و عملکرد، نتیجه مطلوب حاصل خواهد شد؟ آیا هنوز ادراک این نکته مهم و اصل اساسی این‌قدر سخت و دشوار است که در شرایط سخت و بحرانی بیش از هر چیز به اجماع و همدلی و استفاده از تمامی ظرفیت‌های موجود نیازمندیم و دیگر جایی برای تسویه حساب‌های سیاسی و حزبی و سهم خواهی نمی‌ماند و اصولاً وقت آن هم نیست؟

در چنین شرایطی همه فعالان سیاسی و فکری و اقتصادی و فرهنگی و رسانه‌ای وظیفه دارند که به جای جنگ و جدل‌های بیهوده به نقشه راهی اندیشه کنند که می‌تواند جامعه و فضای کسب و کار را از این حالت انتظار و سکوت و دغدغه رهایی بخشد.

از جمله این که اگر به فرض اسنپ یک فعال شود و تحریم‌های سازمان ملل برگردند چه آثار و تبعاتی به دنبال خواهد داشت و چگونه باید با آن مقابله کرد؟ حاکمیت و دولت برای کاهش آثار روانی و واقعی آن چه برنامه‌هایی را در دستور کار دارند؟ آنچه مسلم است هرگز نباید آثار آن را بر درآمد کشور و اقتصاد و فضای کسب و کار بیش از حد بزرگ کرد و هراس آفرید. همان طور که کاملاً بی‌اثر دانستن آن و بی‌تفاوتی نسبت به آن هم اشتباه است.

همه می‌دانیم و به تجربه دریافته‌ایم که در اکثر موارد تحریم‌های داخلی، اشتباهات نظام تصمیم‌گیری و سوء عملکردها و ترک فعل‌های داخلی اگر اثرات زیان‌بارتری از تحریم‌های خارجی نداشته باشند که دارند، قطعاً اثر کمتری ندارند و حواله دادن همه مشکلات به تحریم‌های خارجی، بسیار حرف بی‌ربطی است.

به شرط آنکه درصدد اصلاح رویکردهای غلط و حرکت در مسیر درست و اصولی و انجام اصلاحات ساختاری در اقتصاد برآییم و در عرصه اجتماعی هم تمام وجهه هشت خویش را به تقویت انسجام داخلی و حفظ سرمایه اجتماعی معطوف کنیم، و دریابیم که با پشتوانه مردمی و با اعتماد به مردم هر بحرانی را می‌توان پشت سر گذارد. راهی جز رجوع به مردم و امیدوار کردن مردم و تکیه به ظرفیت تمام‌نشدنی مادی و معنوی و فکری آنان به فلاح و رستگاری نمی‌انجامد.

فتح الله جوادی